



اولین همایش ملی معماری، مرمت، شهرسازی و محیط زیست پایدار ۲۸- شهریور ۱۳۹۲

مروری بر تاثیرگذاری معماری پست مدرن بر نماهای شهری. نمونه موردی : شهر اهواز

مهنوش محمودی، فرهاد صیاف

عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی- واحد دزفول، ایران، دزفول، تلفن تماس : پست الکترونیکی:

BD_MAHMOUDI@YAHOO.COM

دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی- واحد شوشتر، ایران، شوشتر، تلفن تماس : پست الکترونیکی:

FARHAD.SAYAF@LIVE.COM

چکیده :

در دهه‌های اخیر جنبش‌ها و مکاتب گوناگونی در عرصه معماری و شهرسازی نمود یافته‌اند. ریشه این مکاتب را می‌توان در دیدگاه‌های فلسفی پیدا کرد. بی‌شک این مکاتب منشأ تحولات اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، کالبدی عظیمی در اقصی نقاط جهان بوده‌اند. مدرنیسم در اواخر دوره قاجار وارد سیستم کالبدی سیمای شهرهای ایران شد، به دنبال آن پست مدرنیسم به صورت رگه‌هایی در کالبد شهرها ریشه دواند و در دوره پهلوی اول و دوم تأثیرات زیادی در کشور برجای نهاد؛ ولی هنوز امکان فراگیری آن در شهرهای ایران به وجود نیامده. سبک شهرسازی و معماری متأثر از مکتب پست مدرن، می‌تواند یکی از فراگیرترین و مهمترین جنبش‌هایی باشد که در سال‌های اخیر به صورت جهانی وسعت پیدا کرده است. در عصر حاضر همه چیز اعم از سرمایه، نیروی کار، مواد اولیه، آداب و رسوم، فرهنگ، تولید و مصرف در حال تغییر و انتقال است، به طوری که مرزهای سیاسی و اقتصادی کمرنگ شده‌اند، چه بسا کشورهای جهان سوم همچون ایران هم از این تغییر و انتقال بی‌بهره نبوده‌اند.

رویکرد تحقیق حاضر تطبیقی بوده که با بهره‌گیری از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و گردآوری اطلاعات با استفاده از مطالعات میدانی و کتابخانه‌ای بر آن است که ابتدا ریشه‌های فلسفی پست مدرنیسم را و جهانی شدن جستجو کند، سپس جنبه‌های مختلف آن را در حیطه معماری و شهرسازی بررسی کند تا ارتباط و تأثیر این سبک و جنبش را بر کالبد و سیمای شهر اهواز شناسایی نماید. به نظر می‌رسد با توجه ویژه‌گی‌های این مکتب می‌توان نتیجه گرفت که با انتخاب شاخص‌هایی همچون انتخاب نوع و رنگ مصالح، نحوه آرایش آنها و توجه به تجارب فرامرزی، اقدام به درون‌زایی و توسعه دادن الگویی مناسب و بدیع، مبتنی بر ساختار و چهار چوب مکتب پست مدرن بر اساس فرهنگ مردم شهر اهواز رسید.

کلمات کلیدی :



پست مدرنیسم، جهانی شدن، سیمای شهری، ساختمان های تجملی

مقدمه

فرایند توسعه کالبدی، شهرهای مختلف جهان را متحول ساخته و توسعه کالبدی خاصی را آفریده. در اینجا توسعه سیمای شهر همانند هر فرآیند اجتماعی از طریق اتفاقات خاص شهری و چهارچوب ساختارهای حوادث قابل درک است و درک این فرایند با در نظر گرفتن محیط فیزیکی و شرایط فکری مرتبط با آن امکان پذیر خواهد بود.

حداقل دو دهه است که اصل پایداری به هدفی اساسی در برنامه‌ها و طرح‌های توسعه جهانی، منطقه‌ای، ملی و محلی (شهری و روستایی) تبدیل شده است. به همین دلیل مطالعات متعددی نیز در جهت تبدیل مفهوم پایداری به اصول و قواعد یا راهکارهای مشخص و کاربردی در برنامه‌ریزی‌های توسعه شهری صورت گرفته است. این در حالی است که جامعه علمی و حرفه‌ای شهرسازی ایران هنوز به مجموعه مدونی از چنین اصول و قواعدی دسترسی ندارد. بنابراین در تحقیق حاضر سعی شده مفهوم پایداری و به طور مشخص تر مفهوم «حرکت در جهت پایداری» در قالب اصولی مشخص و معنی‌دار در حوزه برنامه‌ریزی و بخصوص طراحی شهری تدوین شود. اما اولین شرط تحقق چنین هدفی توجه به تحول شهرها با در نظر گرفتن پیشرفتهای فن‌آوری اطلاعاتی و محصول واقعی آن یعنی «فرایند جهانی شدن» است. پس در این تحقیق فرایند جهانی شدن به عنوان زمینه‌ای برای تحول آینده شهرهای ایران در نظر گرفته شده و متعاقبا نیازهای حال و آینده جامعه شهری ایران، به عنوان بخشی از جامعه جهانی و همچنین به عنوان جامعه‌ای خاص (محلی) و وابسته به مکان یا کشوری معلوم جست و جو شده است. به این ترتیب در دیدگاه این مقاله توسعه شهرهای جهانی زمانی در جهت پایداری قرار می‌گیرد که پیشنهادها مشخصی را برای تامین هر دو دسته نیازهای جهانی و محلی جامعه مطرح کند. با چنین دیدگاهی و براساس تحقیق انجام شده سعی شده از طریق تحلیل‌های مقایسه‌ای و سلسله مراتبی دو دسته اطلاعات: ۱- مجموعه پیشنهادها منابع جهانی برای توسعه پایدار شهرها در فرایند جهانی شدن و ۲- راهکارهای به کار گرفته شده در شکل‌دهی و توسعه شهرهای سنتی ایران، به اصول و قواعدی برای طراحی شهری پایدار شهرهای ایران در فرایند جهانی شدن دست یافت. شایان ذکر است به دلیل متعدد بودن نیازهای مذکور و اصول و قواعد تدوین شده براساس آنها، در این مقاله به ارایه اصول وقواعد طراحی شهری برای تامین فقط یکی از اساسی‌ترین نیازهای انسان در